



چهارشنبه 6 اسفند 1393 - 6 جمادی الاول 1436 - 26 فوریه 2015

شهادت سردار «حمید باکری» قائم مقام لشکر 31 عاشورا....

اسفندماه 1393 - 6 جمادی الاول 1436 - 25 فوریه 2014

* 6 اسفند در دفاع مقدس

* شهادت سردار «حمید باکری» قائم مقام لشکر 31 عاشورا
در جزیره مجنون (1362ش)
اشاره:

وی در آذر سال 1334 در شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. در سنین کودکی مادرش را از دست داد و دوران دبستان و سیکل و اول دبیرستان را در کارخانه قند ارومیه و بقیه تحصیلاتش را در دبیرستان فردوسی ارومیه به پایان رساند. به علت شهادت

برادر بزرگش علی که به دست رژیم خونخوار شاهنشاهی انجام شده بود با مسائل سیاسی و فساد دستگاه آشنا شد. بعد از پایان دوران خدمت سربازی در تبریز با برادرش مهدی فعالیت مؤثر خود را علیه رژیم آغاز کرد و خود سازی و تزکیه نفس شهید نیز بیشتر از این دوران به بعد بوده است.

با هجرت امام «مد ظله العالی» به پاریس عازم پاریس می شود و از آنجا هم جهت آوردن اسلحه به سوریه می رود و با پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت، جهت پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در مراکز نظامی مشغول فعالیت می شود و با تشکیل

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال 57 به عضویت سپاه درآمده و به عنوان فرمانده عملیات با عناصر دست نشانده امپریالیسم شرق و غرب که در گروهکها و احزابی که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب شروع به فعالیت کرده بودند به مبارزه می پردازد.

در عملیات پاکسازی منطقه سرو و آزادسازی مهاباد، پیرانشهر و بانه نقش مهم و اساسی داشته و در آزاد سازی سنندج با همکاری فرمانده عملیاتی منطقه با استفاده از طرحهای چریکی کمر ضد انقلاب وابسته و ملحد را در منطقه شکسته و باعث گردید که سنندج پس از مدتها آزاد گردد شهید با فرمان امام مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی مسئول تشکیل و سازماندهی بسیج ارومیه شد.

با شروع جنگ تحمیلی جهت مبارزه با بعثیون کافر به جبهه آبادان شتافت و دو ماه بعد مراجعت نمود. مدتی در شهرداری به صورت افتخاری در سمت مسئول بازرسی مشغول خدمت گردید و چون کار اداری نتوانست روح بزرگ او را آرام کند، مجدداً عازم جبهه آبادان شد و فرماندهی خط مقدم ایستگاه 7 آبادان را به عهده گرفته و به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت. بعد از بازگشت، مرتب از مزایای جنگ که

به قول امام این جنگ یک نعمت است که فرزندان این مملکت را الهی کرده و آنها را از زندگی دنیایی به معنویت کشانده است، می گفت.

حمید برای مدتی از سوی جهاد سازندگی مسئولیت پاکسازی مناطق آزاد شده کردنشین در منطقه سرو را عهده دار گردید که در آن شرائط کمتر کسی می توانست چنان مسئولیتی را بپذیرد.

سپس به عنوان مسئول کمیته برنامه ریزی جهاد استان تعیین شد و چون در هر حال جنگ را مسئله اصلی می دانست و می اندیشید که در جبهه مفیدتر است حضور دائمی اش را در جبهه های نبرد با صدام متجاوز از عملیات فتح المبین شروع نمود، در

عملیات بیت المقدس فرمانده گردان

تیپ نجف اشرف بود و با تلاشی که نمود

نقش مؤثری در گشودن دژهای مستحکم صدامیان در ورود به خرمشهر را داشت و بالأخره با لشکر اسلام پیروزمندانه وارد خرمشهر شد و بعد از عملیات رمضان برای فعالیت دائمی در سپاه پاسدارن مصمم گردید.

در عملیات موفقیت آمیز «مسلم بن عقیل» به عنوان مسئول خط تیپ عاشورا استقامتش در ارتفاعات سومار یادآور صبوری و شجاعت یاران امام حسین (علیه السلام) بود که چندین بار خودش در جنگ تن به تن و پرتاب نارنجک دستی به صدامیان شرکت نمود و از ناحیه دست مجروح شد و بر حسب شایستگی که کسب نمود از طرف فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی به عنوان فرمانده تیپ حضرت ابوالفضل (علیه السلام) منصوب گردید .

بعد از عملیات والفجر مقدماتی به عنوان معاون لشکر 31 عاشورا راه مولایش حسین بن علی (علیه السلام) را ادامه داد استقامت و تدابیرش در مقابل صدامیان همیشه برای یارانش الگو بود شرکت در عملیاتهای والفجر 1 و 2 و 4 از افتخاراتش بود که همیشه دوش بدوش برادران رزمنده بسیجی‌اش در خطوط اول حمله شرکت داشت و با خونسردی زیادی که داشت همیشه فرماندهان زیر دستش را به استقامت و تحمل شدائد صحنه های نبرد ترغیب می نمود و به آنها یاد می داد که چگونه با دست خالی از امکانات مادی در مقابل دشمن که سراپا پوشیده از زره و پیشرفته ترین امکانات جنگی عصر حاضر می باشد فقط با اتکاء به ایمان و روش حسینی باید جنگید .

* بمباران کوهدشت، سقز،
پل دختر و مهاباد توسط
هوایماهای عراق (1362ش)
اشاره:

همزمان با پیروزی های رزمندگان اسلام در عملیات غرورآفرین خیبر و شکست ارتش عراق در منطقه جزائر مجنون، رژیم بعثی عراق مبادرت به موشک باران و بمباران مناطق مسکونی شهرهای مختلف ایران نمود.
در این میان شهرهای خرم آباد و بروجرد هدف اصابت چهار موشک قرار گرفت و شهرهای کوهدشت، سقز، پل دختر و مهاباد نیز توسط هوایماهای عراقی بمباران شد.
در اثر این بمباران وحشیانه این شهرها، حدود پنجاه نفر از هموطنان به شهادت رسیده و بیش از چهار صد نفر دیگر زخمی شدند.

* شهادت شهید کیومرث قربانی راقعی (1362ش)
اشاره:

شهید کیومرث قربانی راقعی، سال ۱۳۴۲ش در یک خانواده مذهبی و پیرو ولایت در روستای نفوت از توابع صومعه سرا در خطه سرسبز گیلان چشم به جهان هستی گشود.
کیومرث از کودکی با والدین خود در کار کشاورزی همکاری داشت. تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در مدارس صومعه سرا گذراند و جهت ادامه تحصیل و اخذ مدرک فوق دیپلم، به مرکز تربیت معلم شهید بشتی زنجان عزیمت کرد؛ اما دل کیومرث در میادین پیکار حق
علیه باطل بود، پس راهی جبهه های نور شد تا این که سرانجام طی عملیات والفجر ۶ درحالی که به عنوان امدادگر لشکر انجام وظیفه می کرد، در تاریخ ششم اسفندماه سال ۱۳۶۲ شمسی در سن بیست سالگی به فیض عظمای شهادت نائل گردید.
پیکر مطهر شهید کیومرث قربانی راقعی،
هشتم بهمن ماه ۱۳۷۰ش پیدا و برای خاکسپاری به صومعه سرا منتقل می شود.

* 6 اسفند در گذر تاریخ

* رحلت
آیت الله «میرمحمد حسین شهرستانی» (1275ش)
اشاره:

آیت الله سیدضیاءالدین میرمحمد حسین
بن میر محمدعلی شهرستانی حائری، در حدود سال 1218ش (1256ق) در خاندان اهل علم و از سادات مرعشی مازندرانی منتسب به
امام سجاد(ع) در کرمانشاه به دنیا آمد.
آیت الله شهرستانی هیئت و نجوم را از
میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا غلام هروی حائری آموخت و در
این علوم به تبحر رسید. ایشان در پنجاه سالگی
به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد، مورد استقبال مردم واقع شد و تدریس در یکی از مدارس تهران به او واگذار شد.
اما ایشان به کربلا بازگشت و علاوه بر تدریس و تألیف، مرجعیت جمعی از شیعیان را برعهده گرفت. این محقق، ادیب و شاعر امامی، از دوازده سالگی شروع به تألیف نمود و
در طول حیات علمی خویش، در حدود هشتاد اثر ارزنده از خود به یادگار گذاشت که برخی از آثار ایشان شامل کتب:
الاستصحاب،

اصل الاصول، تحقیق الادلة، تذکرة التفس و لباب الاجتهاد و... می‌باشند.
آیت‌الله میرمحمدحسین شهرستانی حائری سرانجام در 6 اسفند 1275 ش (3 شوال 1315 ق) در پنجاه و هفت سالگی بدرود حیات گفت و در رواق حسینی، نزدیک دیوار شهدا به خاک سپرده شد.

* تصویب قانون احداث

راه آهن سراسری ایران (1305 ش)

اشاره:

به موجب قانون احداث راه‌آهن جنوب ایران که در ششم اسفند ماه سال 1305 ق به تصویب مجلس شورای ملی رسید، مخارج ساختمان راه آهن ایران از محل عوارض قند و شکر و چای تأمین گردید و قرار شد تا خط آهن از خورموسی به خرمشهر و از آنجا به تهران متصل شود.

در نهایت نخستین کلنگ احداث راه‌آهن ایران در 23 مهر سال 1306 ش در تهران

به زمین زده شد و همزمان

عملیات ساختمانی راه آهن از مرکز و شمال و جنوب آغاز گردید.

سرانجام عملیات ساخت راه‌آهن ایران

در سوم شهریور سال 1317 ش خاتمه یافت و کار حمل و نقل مسافر و بار آغاز شد. طول راه آهن سراسری ایران در

آن سال در حدود 1400 کیلومتر بود که از

بندر امام خمینی (شاهپور سابق) در جنوب به بندر ترکمن در شمال متصل می‌شد. طول خطوط آهن در مرداد 1376 به حدود

ده هزار کیلومتر رسید و در برخی مسیرهای

پُر رفت و آمد، راه‌آهن دو خطه شده است.

* صدور اعلامیه روحانیان مبارز درباره قیام خونین تبریز (1356 ش)

اشاره:

در هفتمین روز شهدای 29 بهمن تبریز، اعلامیه‌ای با امضای روحانیون مبارز خراسانی انتشار یافت و رژیم را در مورد

این واقعه، مورد انتقاد قرار داد.

در بخشی از این اعلامیه آمده بود:

«بار دیگر رژیم فاسد شاه تلاش مذبوحانه خود را شروع کرد و مردان مجاهدی را که برای از بین بردن برنامه‌های ضددینی دستگاه استبدادی و سلطنت غاصبانه پهلوی قیام کردند، با گلوله جواب گفت؛ ولی ما نیز بار دیگر به این جنایتکاران روزگار و روسپاهان جامعه هشدار می‌دهیم که ما

از هدف مقدس خود دست نکشیده و برای رسیدن به آن هدف عالی و قرآنی و انسانی، تا

آخرین نفس، در مقابل اعمال وحشیانه شاهانه ایستادگی خواهیم کرد».

* کشتار مسلمانان نمازگزار فلسطین در مسجد الخلیل

از سوی یک صهیونیست اسرائیلی (1372 ش)

اشاره:

در حالی که مقامات حکومت خودگران عرفات در حال گفت‌وگو برای سازش با رژیم غاصب اسرائیل بودند، یک صهیونیست نژادپرست به سوی نمازگزاران روزه‌دار در حرم حضرت ابراهیم (ع) در شهر الخلیل کشور فلسطین تیراندازی کرد و بیست و نه نفر را شهید و شمار بیشتری را زخمی نمود.

این ترور وحشیانه با واکنش تند و خشم‌آلود جهان اسلام روبرو شد، به گونه‌ای که حتی دولت‌های عربی مجبور شدند برای مدتی، مذاکرات سازش با مقامات رژیم صهیونیستی را به حال تعلیق درآورند، ولی دولت‌های غربی تنها به ابراز تأسف اکتفاء کردند.

رژیم صهیونیستی فرد تروریست را پس از محاکمه به بهانه این که بیماری روانی دارد، از مجازات رهایی داد.

* 6 جمادی الأول در گذر تاریخ

* درگذشت «ابوسعید سنجر» ریاضی دان نامدار

ایران زمین (414 ق)

* مرگ «گیخاتو»

ایلخان مغول در ایران و آغاز حکومت «بایدوخان» (694 ق)

اشاره:

پس از ارغون خان مغول، برادرش گیخاتو که در زمان او، فرمانروای آسیای صغیر بود به پادشاهی رسید. گیخاتو به سبب آن که از مرض شفا یافته بود، فرمان آزاد کردن زندانیان را داد و از خزانه‌ی مملکت، آنچه را که دستش رسید در بین تهی‌دستان و

درباریان تقسیم کرد. این حاتم بخشی‌های او، کشور را به کمبود درآمد و فقر اقتصادی دچار ساخت و در نتیجه، خزانه سلطنتی تهی گشت. وزیر گیخاتو که می‌دانست چینی‌ها از پول کاغذی استفاده می‌کنند، برای جبران کمبود مالی، چاپخانه‌ای تأسیس کرد و به رواج نوعی اسکناس که «چاو» خوانده می‌شد، اقدام نمود. هدف از چاپ پول کاغذی این بود که اسکناس در میان مردم رایج شود و طلا و نقره به خزانه باز گردد. اما مردم از قبول این اسکناس بدون پشتوانه خودداری کردند تا این که گیخاتو، چاو را ملغی کرد. دیری نگذشت که در جمادی الأولى 694 ق، امیران مغول طغیان کرده، گیخاتو را بکشتند و پسر عموی او، بایدو، را به پادشاهی نشانند.

* مرگ «ظهیر الدین بابر شاه» پادشاه سلسله گورکانیان هند (937 ق)
اشاره:

ظهیر الدین محمد بن میرزا عمر از نوادگان امیر تیمور گورکانی در سال 899 ق، پس از فوت پدر در 11 سالگی وارث حکومت فرغانه در ماوراء النهر گردید. وی در ابتدا، یازده سال با ملوک ازبک و تاتار جنگید و چون ضعف خود را احساس کرد، رو به کابل و قندهار آورد و پس از تصرف افغانستان، 22 سال در آن نواحی، فرمانروایی نمود. در سال 932 قمری برای تسخیر هند راهی این کشور شد و با پیروزی وارد دهلی گردید. ظهیرالدین بابر از این زمان، سلسله‌ی گورکانیان هند معروف به دولت مغول را در هندوستان تأسیس کرد. این دولت تا سال 1264 ق به مدت 332 سال در هندوستان و اطراف فرمانروایی داشت. بابر در هندوستان و افغانستان، راه‌ها و کاروان‌سراهای فراوانی ایجاد نمود و به عمران و آبادانی کشور همت گماشت. مسجد معروف «بابری» در هند از بناهای دوران حکومت ظهیرالدین محمد بابر محسوب می‌شود. وی تا سال 937 ق به مدت پنج سال نیز در دهلی حکمرانی نمود و سرانجام در 49 سالگی درگذشت. ظهیرالدین بابر را حاکمی عالم و ادیب گفته‌اند و او کتابی درباره‌ی فتوحات و جهان‌داری و شرح حال خود نگاشته است. بابر در ابتدا در شهر جمنه به خاک سپرده شد اما در سالیان بعد، استخوان‌های او را به کابل منتقل ساخته و آرامگاهی مجلل در خارج از شهر برای او بنا کردند.

* 25 فوریه در گذر تاریخ

* کودتا در سوریه و سقوط شیشکلی حاکم این کشور (1954م)

* انحلال پیمان ورشو توسط کشورهای عضو (1991م)

* روز ملی «کویت»